

الأدلة العقلية التي يسوقها القرآن لإثبات وجود الله:

دلایل عقلی که قرآن برای اثبات وجود الله پیش می‌کشد :

ما تقدم في هذا الفصل كافٍ لإثبات أن التطور هادف وبالتالي إثبات أن من ورائه من يريد الوصول إلى هذا الهدف، وبالنتيجة أثبتنا وجود إله ضمن قانون صفة الأثر دالة على صفة المؤثر، فالأثر الذي هو الحياة الأرضية أثبتنا أنها تتصف بأنها هادفة، وبهذا أثبتنا صفة طلب الهدف والادراك لمؤثرها، وبهذا أثبتنا وجود إله مدرك عالم. ولكن مع هذا سناقش في بقية هذا الفصل مسألة أن التطور هادف حتى من منظور التجزئة بل سأركز عليه؛ لأن علماء الأحياء يعتمدون مسألة تجزئة التطور والملحدون منهم يصرون على النظر من زاوية التجزئة فقط رغم أنني أراها زاوية تساوي العور والنظر بعين واحدة.

آنچه در این فصل ارائه شد، برای اثبات هدفمند بودن تکامل و در نتیجه برای اثبات اینکه در پس آن کسی وجود دارد که خواهان رسیدن به این هدف است، کافی می‌باشد. ما ضمن قانون "صفت اثر دلالتی است بر صفت مؤثر"، وجود خداوند را اثبات کردیم و ثابت نمودیم که اثر یعنی همان زندگی زمینی، هدفمند است؛ و به این ترتیب روشن کردیم که مؤثر آن، دارای آگاهی بوده و هدفی را دنبال می‌کند. بر این منوال، وجود خداوندی آگاه و دانا را ثابت کردیم. با این وجود، من در ادامه این فصل، این مطلب را بررسی و بر آن تأکید خواهم کرد که تکامل حتی از دیدگاهی که آن را پاره‌پاره می‌کند و بخش‌بخش می‌بیند نیز هدفمند است؛ زیرا اگرچه زیست‌شناسان بر بخش‌بخش کردن تکامل اعتماد می‌کنند، و از میان آنها

زیست‌شناسان ملحد اصرار دارند که تنها از زاویهٔ بخش‌بخش کردن به آن بنگرند، ولی دیدگاه من به این موضوع یکسان است و هر دو را به یک چشم می‌نگرم.

أما بالنسبة لدليل (العدم غير منتج) فلا بد من الانتباه إلى أن الأثر الذي يجب أن نناقشه للدلالة على الله كمؤثر هو أصل الكون الجسماني وما بعده، وهذا لا يكون الكلام فيه بحدود نظرية دارون أو علم الأحياء، بل يمكن نقاشه علمياً في حدود بحوث ونظريات الفيزياء التي تختص بالكون وكيفية نشوئه، وهذا الأمر سيتم مناقشته في الفصل السادس بالتفصيل.

در خصوص استدلال “عدم نامولّد است” باید به این موضوع توجه نمود که اثری که برای دلالت بر الله به‌عنوان مؤثر باید مورد بررسی قرار دهیم، همان اصل و مبدأ جهان مادی و ما بعد آن می‌باشد، و در این خصوص، بحث فقط به نظریهٔ داروین و علم زیست‌شناسی محدود نمی‌شود؛ بلکه می‌توان آن را به صورت علمی در محدودهٔ مباحث و تئوری‌های فیزیکی که به جهان هستی و کیفیت پیدایش آن اختصاص دارد، مورد بحث و بررسی قرار داد. این مبحث را در فصل ششم به طور مفصّل بیان خواهیم نمود.
